

<div>کزارش</div>	
<div>الهام دانایی سرشت</div>	
روزنامه نگار	

پدیرش قطعنامه ۵۹۸ در مورد پایان جنگ تحمیلی، از جمله ر خدادهای مهم و تاریخ ساز ایران است. این قطعنامه اول مرداد ۱۳۶۷ از سوی سازمان ملل متحد صادر و در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ از سوی ایران پذیرفته شد و در ۲۹ تیر ۱۳۶۷، به اتفاق آرایه تصویب نهایی رسید. در همین روز و به مناسبت سالگشت فاجعه کشتار حجاج در مکه، امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی (ره)، پیامی تاریخی و مهم صادر کردند که به پیام پدیرش قطعنامه موسوم شد و به فرموده مقام معظم رهبری، لوحه زرین سر در انقلاب و کتیبه نظام اسلامی است. اما در پی پذیرش قطعنامه از سوی جمهوری اسلامی ایران، سوآلات بسیاری در اذهان عمومی شکل گرفت که به‌دلیل نبودامکان پاسخگویی در آن مقطع و حواله به آینده، روایت‌های متعدد و متفاوت و شائبه‌هایی مجال انت‌شمار یافتند که تاکنون نیز استمرار دارند؛ شائبه‌ها و ابهاماتی که بزرگ تر و پر رنگ تر از اقدام و محتوای پیام امام راحل جلوه گر دو سبب کم‌توجهی و عدم تبیین جامع آن برای عموم مردم شد. واقعیت این است که امام‌خمینی(ره)، با درایت کامل، از تمام آثار و عواقب پذیرش قطعنامه آگاه بوده و با وجود این، صلاح را در پذیرش آن دانسته‌اند. لذا در این تصمیم امام(ره)، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، خصوصیات و اصولی مبتنی بر فقه و رفتار سیاسی ایشان نهفته است که نباید آنها را نادیده گرفت. در این مجال در صدد هستمیتم تا رفتارشناسی و بررسی دیدگاه‌ها و اصول حاکم بر سیره امام(ره) نسبت به این موضوع را استنتاج کنیم. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی را، مفید و مقبول آید.

۱. پذیرش قطعنامه در راستای مصلحت اسلام و نظام اسلامی (تجلی قاعده مصلحت)

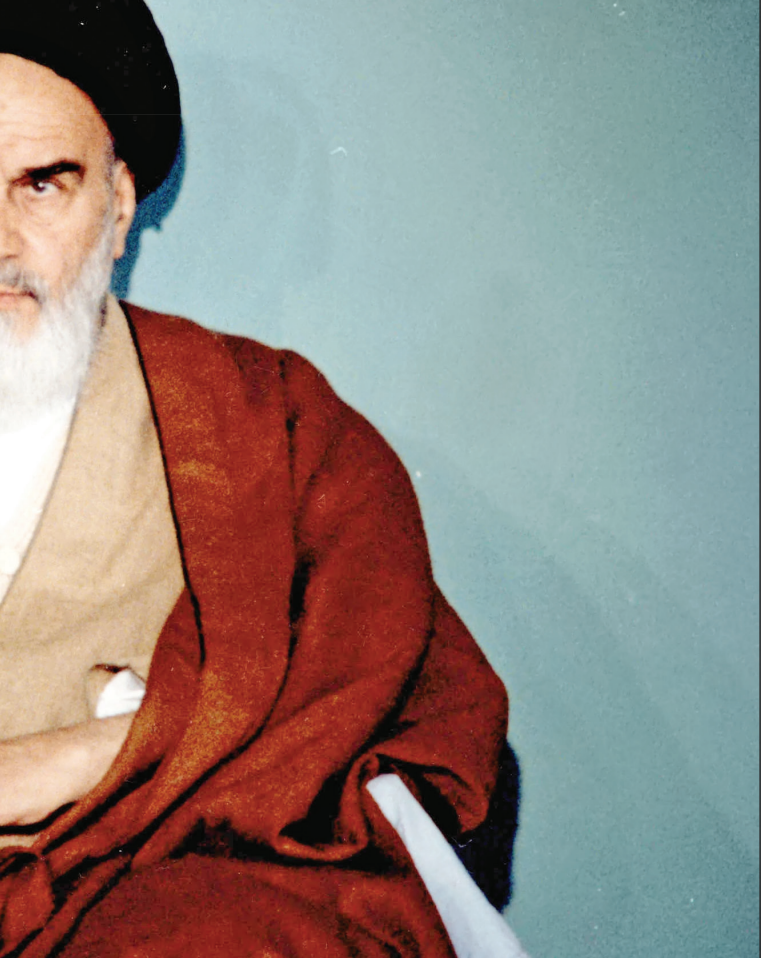
امام‌خمینی(ره) که همواره هر گونه سازش با کفر را غیرممکن می‌دانستند و قتل و مبارزه تا شکست نیروهای متجاوز عراق (کفر) بودند و براساس آن در طول جنگ، از پذیرش صلح غیر عادلانه با عراق خودداری می‌کردند، در روزهای پایانی جنگ، با ایثار و از خودگذشتگی و با دادن پاسخی تازه به شرایط جدید پیش آمده، مصلحت نظام اسلامی را بر نظر شخصی خود ترجیح داده و با پذیرش قطعنامه موافقت کردند. این تصمیم مهم و تاریخی امام‌خمینی(ره)، با توجه به شرایط و مقتضیات وقت جامعه و اولویت‌دادن مصالح انقلاب و اسلام و مسلمین بر دیگر مسائل، نشان دهنده «منطق موقعیت‌سنجی» و «مصلحت‌اندیشی» در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ایشان بوده است. این مصلحت‌سنجی هرگز با آزمان‌های انقلاب و اسلام و جمهوری اسلامی، نمی‌توانست تعارضی داشته باشد؛ چرا که این تصمیم چون توسط رهبر انقلاب پذیرفته شد و در راستای مصالح انقلاب و نظام بود، تضمینی در راستای خط‌مشی و شعارهای اصلی انقلاب نیز قلمداد شد. ایشان از یک طرف، مصلحت قطعنامه را در راستای مصلحت نظام و انقلاب دانسته و از طرف دیگر، چون بر خلاف نظر شخصی‌شان است، آن را امری تلخ و رنج‌آور می‌دانند و می‌آورند:

«اوامر مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل، معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجراء می‌دیدم، ولی به واسطه نظام و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد…»
قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمود و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم… خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و خودی بی‌پیکری کرده و به موفقت برساند و این هدف جز با وجود و انبسام داخلی دوست‌یافتنی نبود. امام(ره) یکی از راحل‌های حفظ این وحدت را بیان نکردن دلایل پذیرش قطعنامه در آن مقطع زمانی می‌دانستند.

از ذکر آنها خودداری می‌کنند و مسلماً خودداری ایشان از بیان این عوامل نیز به خاطر مصلحت نظام بوده است زیرا با توجه به اوضاع داخلی آن مقطع، امام(ره) در آن وضعیت ملتهب و دشوار، برای جلوگیری از تشدید چنددستگی و بحران در کشور، بهترین روش را اتخاذ کرده بودند و از بیان مسائلی که ریشه در گذشته داشتند، خودداری کردند تا جمهوری اسلامی بتواند استراتژی جدید خود را که ناشی از وضعیت سیاسی– نظامی جدید بود، به خوبی پیگیری کرده و به موفقت برساند و این هدف جز با وجود و انبسام داخلی دوست‌یافتنی نبود. امام(ره) یکی از راحل‌های حفظ این وحدت را بیان نکردن دلایل پذیرش قطعنامه در آن مقطع زمانی می‌دانستند.

۲. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و ادای تکلیف
رضای حق تعالی و عمل به تکلیف الهی، سررلوحه تمام اقدامات امام خمینی(ره) بوده و ایشان به‌عنوان رهبر و زعیم انقلاب اسلامی، همواره بر خود واجب و تکلیف می‌دانستند تا به هر طریق ممکن، از کینان نظام اسلامی در مقابل کفر صیانت کنند. حال این صیانت ممکن است، زمانی از طریق مبارزه مستقیم با کفر و تداوم جنگ باشد و زمانی دیگر از طریق اتمام جنگ و پذیرش قطعنامه و مبارزه غیرمستقیم. ایشان در راستای همین تکلیف و

پیشینه



خوانشی از اصول تصمیم‌امام‌خمینی^(ره)، در پذیرش قطعنامه ۵۹۸

فراموش کرده‌ایم برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم

در مورد پذیرش قطعنامه۵۹۸، این است که پذیرفتن

داده و خطاب به مردم می‌فرمایند: «من باز می‌گویم که قبول این مسئله، برای من از زهر کشنده تر است ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم… در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد، تکلیف الهی‌ام بود. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است و دیروز خدا اینگونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه‌فرغ آن بوده است، ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود… آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، با و به وظیفه خود عمل کرده است… خواست خدا هر چه هست، ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم…»

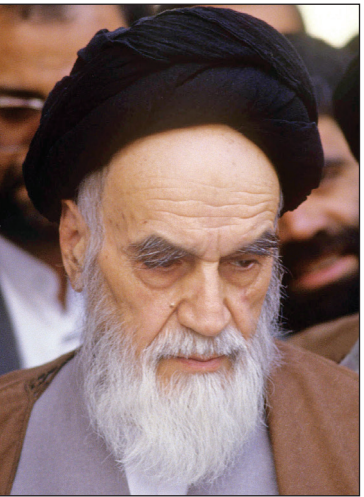
۲. پذیرش قطعنامه در عین تداوم مبارزه

نگاه امام خمینی(ره) به جنگ، یک نگاه مقطعی و تاکتیکی نبود بلکه آن را تداوم یک جریان مستمر تاریخی می‌دیدند، یک نزاع و نبرد تاریخی که همواره بین حق و باطل در جریان بوده است و آن روز در قالب جنگ ایران و عراق نمایان شده بود، پس پذیرش قطعنامه۵۹۸ توسط ایشان، به‌معنای سازش اسلام با کفر نبوده و خدش‌های در منشور انقلاب وارد نمی‌کند و در راستای مواجعه همیشگی و عدالت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، قطعنامه ۵۹۸ را به‌معنای تمام‌شدن همه‌چیز ندانسته و به آمادگی همیشگی مردم و حضور آنها در صحنه تاکتیک می‌کنند و ادامه می‌دهند:

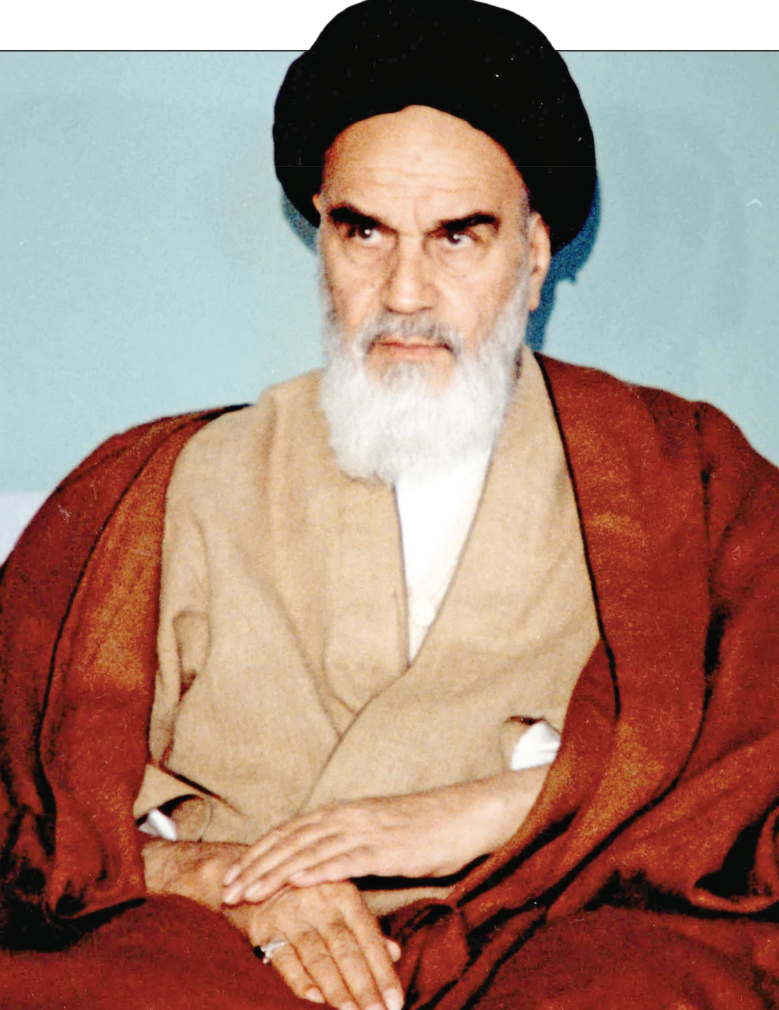
«خداوند، می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم…»

قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به‌معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهان‌خواران علیه‌ما کند شده است ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به‌طور قطع و جدی پیش‌بینی نمود. جنگ پایان نیافته و جنگ جدیدی در راه است. در هر شرایطی باید بنیبه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما که در طول سال‌های جنگ و مبارزه، ابعاد کینه و حسادت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهان‌خواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدی‌تر بدانند…»

همانطور که امام(ره) پیش‌بینی کردند، این نبرد تاریخی با پایان یافتن جنگ عراق با ایران و پذیرفتن قطعنامه، خاتمه نیافت و ما شاهد آن هستیم که پس از آن، صحنه‌های گسترده‌تری از نبرد و تنازع، هر چند نه صرفاً در قالب نظامی بلکه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی علیه ایران تداوم پیدا کرد.



تاریخ



در پی پذیرش قطعنامه، ایهامات و ابهامات را تخطئه کنند بلکه با

گوشزد کردن شرایط حساس کشور و به‌کار بردن تعبیر «ارزش بسیار زیبا» از «چراها و بایدها»، از مردم خواستند که پرداختن به آنها را به وقت مناسب دیگری موکول سازند. اصلی که از این سیره امام(ره) قلیل استنتاج است، این است که مسئولین کشور نمی‌توانند و نباید در اتخاذ تصمیمات مهم، به دیدگاه‌ها و ابهامات مردم بی‌اعتنا باشند، زیرا اصولاً جلب مشارکت مردمی، تنها از طریق افناع ذهنی و فکری آنان امکان‌پذیر خواهد بود.

انقلاب از زیر بار مسئولیت نبود، لذا در پیام خویش بر این نکته تأکید می‌کنند که مسئولیت اصلی کل جنگ، چه تداوم و چه پایان آن را می‌پذیرند.
۶. احترام به قوانین و معاهدات پذیرفته‌شده
یکی دیگر از اصول، جدی‌بودن ایشان در اتخاذ این تصمیم و تن‌دادن به پیامدهای آن بوده است. در توضیح بیشتر این اصل باید گفت که پس از پذیرش قطعنامه۵۹۸ از سوی ایران، برخی محافل چه در داخل و چه در خارج، اظهار می‌داشتند که اتخاذ این تصمیم، تاکتیکی است و احتمالاً با تغییر شرایط سیاسی و نظامی حاکم بر جبهه‌ها، ایران مجدداً بر سیاست تداوم جنگ خویش اصرار می‌ورزد و یا حتی شنیده شد که در آن زمان، برخی از فرماندهان نظامی پس از هجوم مجدد نیروهای عراق به سمت خرمشهر و متوقف‌ساختن آنها، اعلام آمادگی کردند که با توجه به گسیل نیروهای مردمی به جبهه‌ها، عملیاتی را علیه نیروهای عراقی انجام دهند. امام(ره) چه در پاسخ به محافل خارجی که این اقدام ایران را ناشی از ضعف و زبونی دانسته و چه در پاسخ به برخی محافل داخلی که آن را قابل نقض می‌دانستند، با صراحت یادآور شدند: پذیرش قطعنامه ۵۹۸، سیاست رسمی و تاکتیکی کشور است. این نکته، گویای اصل اساسی است که اصولاً امام خمینی(ره) در اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌های خویش، از فریب‌ها و دورویی‌های رایج بین سیاستمداران، به دور بوده و هر زمان که به تصمیمی می‌رسیدند، خود را مقید و ملتزم به لوازم و پیامدهای آن می‌دانستند، به‌گونه‌ای که حتی با تغییر شرایط، حاضر نمی‌شدند تا تعهد و بی‌مانی را که پذیرفته بودند، ملفی کنند و اعلام رسمی پذیرش قطعنامه ۵۹۸، از جمله این تعهدات بود.

۷. کنترل و مدیریت بحران ناشی از پذیرش قطعنامه۵۹۸

فرایند و محصل تصمیم‌ها و اقداماتی که از سوی امام(ره) در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ صورت گرفت، کشور را از یک وضعیت بحرانی در صحنه سیاسی و نظامی، به یک وضعیت جدید و باثبات منتقل ساخت. تصمیمی راهبردی و هم‌چون پذیرش قطعنامه، می‌توانست تزلزل و بی‌ثباتی جدی‌ای برای جمهوری اسلامی فراهم سازد اما امام(ره) با درک عمیق از پیامدهای احتمالی این تصمیم و با مدیریت صحیح و همه‌جانبه، برقراری رابطه‌ای عاطفی و صادقانه با مردم و پریریز از اتخاذ سیاست تحکمی، توانستند پیامدهای منفی این تصمیم را به حداقل برسانند. بر همین اساس بود که مردم نیز امام(ره) را به‌عنوان هم‌رزمی تلقی کردند که به‌دلیل تغییر شرایط و مصالح نظام، به اتخاذ این تصمیم مبادرت ورزیده است و لذا با تمام وجود از این تصمیم حمایت کرده و ایشان را در پی‌مودن طریق جدید یاری رساندند.

۸. احترام به سوآلات و ابهامات مردم

در پی پذیرش قطعنامه، ایهامات و سوآلات مختلفی نسبت به علل آن، در اذهان مردم و علاقه‌مندان امام(ره) و انقلاب به‌وجود آمده بود. امام(ره) با وجود برخورداری از جایگاه رفیع خویش و اعتمادی که مردم به وی داشتند، هرگز بر



آن نشندند تا این سوآلات و ابهامات را تخطئه کنند بلکه با گوشزد کردن شرایط حساس کشور و به‌کار بردن تعبیر «ارزش بسیار زیبا» از «چراها و بایدها»، از مردم خواستند که پرداختن به آنها را به وقت مناسب دیگری موکول سازند. اصلی که از این سیره امام(ره) قلیل استنتاج است، این است که مسئولین کشور نمی‌توانند و نباید در اتخاذ تصمیمات مهم، به دیدگاه‌ها و ابهامات مردم بی‌اعتنا باشند، زیرا اصولاً جلب مشارکت مردمی، تنها از طریق افناع ذهنی و فکری آنان امکان‌پذیر خواهد بود.

۹. احترام به آرای مردم در تداوم و پایان جنگ
چگونگی نگرش و عمل توده‌های مردم (اکثریت جامعه) نسبت به پدیده جنگ (از ابتدا تا انتها)، به‌عنوان متغیری بی‌بدیل در نحوه اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های امام خمینی(ره) نسبت به جنگ ایران و عراق، تأثیرگذار بوده است. البته از آنجا که رابطه قلبی و عاطفی امام و امت، آنچنان عاشقانه و عارفانه بود که همواره اینگونه تلقی می‌شد که هر چه امام(ره) می‌گویند مردم تبعیت می‌کنند، اما در واقع، بهتر آن است که بگوییم امام(ره) چیزی نمی‌گفتند و تصمیمی نمی‌گرفتند، مگر اینکه بستر و آمادگی و اراده کلی آن را در توده‌ها و اکثریت ملت مشاهده می‌کردند. به‌گونه‌ای که هنگام تصمیم به تداوم جنگ و نفی صلح تحمیلی به این‌ن نکته، یعنی تمایل و رأی مردم استاد کردند: «نه زیر بار صلح تحمیلی برویم و نه زیر بار حکمیت تحمیلی. ما باید خودمان به حسب رأی خودمان، به حسب رأی ملتمان، آن طوری که الان همه ملت دارند می‌گویند، ما باید این‌س جنگ را ادامه بدهیم…»
در راه پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز این عامل کاملاً مشهود است، چه آنجا که امام(ره) در نامه به نمایندگان مجلس جهت توجیه آنها، یکی از علل پذیرش شرایط جدید را اعلام فرماندهان نظامی مبنی بر کاهش روزافزون نیروهای داوطلب جنگ عنوان کردند و چه پس از پایان جنگ و انتشار نامه مرحوم حاج‌المسلمین حاج‌سیدمحمدخمینی که در آن قیدشده بود که امام(ره) پس از مشاهده سیل عظیم نیروهای داوطلب به جبهه‌های غرب و جنوب کشور، اظهار داشتند: «اگر می‌دانستم که مردم چنین ذهنیت و دیدگاهی نسبت به جنگ داشتند، هرگز قطعنامه را نمی‌پذیرفتم…»

به‌طور کلی و براساس آنچه مختصراً شرح داده شد، موضع مناسب امام(ره) درباره جنگ تحمیلی و قطعنامه ۵۹۸، اثرات ناشی از آن، به‌گونه‌ای بود که ایشان با درایت کامل، در هر زمان با توجه به مقتضیات موجود، اقدام به برخورد مناسب کرده و به بهترین وجه مسائل را به نفع اسلام و انقلاب حل کردند، به‌گونه‌ای که حتی پس از پذیرش قطعنامه، برخورد مناسب و به‌موقع ایشان، از یک سو موجب التیام درد مردم انقلابی و از سوی دیگر، موجب خنثی‌سازی تبلیغات مسموم عوامل لیبرال و ضدانقلاب داخلی و استکبار جهانی علیه ایران و به‌خصوص شکست مجدد عراق در جبهه‌های جنگ شد و در نهایت، با اثبات موضع بر حق جمهوری اسلامی، دیدگاه جهان و جهانیان را نسبت به آن عوض کرد.

منابع:

صحیفه امام(ره)، جلد ۲۱، پیام امام(ره) در پذیرش قطعنامه ۵۹۸

در اندیشه امام خمینی(ره)، پذیرفتن آتش بس در جنگ، هرگز به‌معنای توقف و روی‌گرداندن از اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و اهداف آن نیست. به باور ایشان مبارزه با کفر، شرک و نفاق، تلاش در جهت بسط ارزش‌های اسلامی در میان ملل جهان، وجود قهر و کینه انقلابی نسبت به استکبار، جنایتکاران و سلطه‌گران دنیا، حمایت از محرومان و مستضعفان در مقابل دنیاپرستان و سرمایه‌داران، مجاهدت برای کسب استقلال در تمامی زمینه‌ها و تقویت بنیان‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و… هرگز پایان نیافته است

یکشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۱

شماره ۸۵۵۰

تاریخ خاورمیانه

صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد

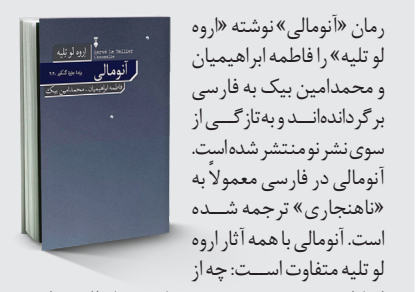


«صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» نوشته «دیوید فرامکین» با ترجمه حسن افشار از سوی نشر ماهی منتشر شده است. این کتاب خواندنی و درخسور تامل، روایت فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری خاورمیانه معاصر است؛ روایت وقایعی که در جنگ

جهانی اول رخ داد و باعث تغییرات اساسی در خاورمیانه شد. دیوید فرامکین عقیده دارد این تغییرات خاورمیانه منجر به جنگی شد که همچنان ادامه دارد. این کتاب علاوه بر پرداختن به نقش اروپا در خاورمیانه، تأثیرات این دگرگونی را در خودقاره سبز نیز بررسی کرده و در کنار آن گاه خواننده را به عربستان برده و با ماجراجویی‌های اوارد لارنس، دیپلمات، باستان‌شناس، نویسنده و رابیزن نظامی معروف انگلستان در عربستان همراه می‌سازد. تاریخی که در این کتاب ۱۲ فصلی می‌خوانید در واقع سنس‌آغاز پیدایش قرن بیستم و خاورمیانه امروز است. صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد، سال ۱۹۸۹ منتشر شد و در فهرست نهایی جایزه پولیتزر هم قرار گرفت. دیوید فرامکین، نویسنده و مورخ آمریکایی است که در دانشگاه شیکاگو حقوق خوانده و استاد تاریخ و روابط بین‌الملل است. او سال ۲۰۱۷ از دنیا رفته است. چاپ هجدهم این کتاب از سوی نشر ماهی در ۶۲۴صفحه وزیری، به بهای ۲۲۵هزار تومان منتشر شده است.

تاریخ ادبیات

آنومالی

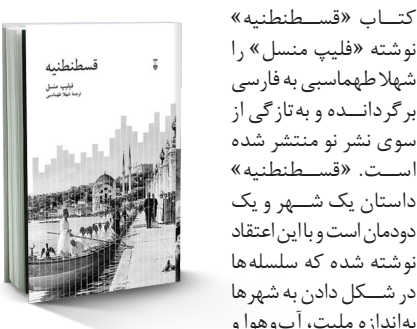


رمان «آنومالی» نوشته «اوه لو تلیه» را فاطمه ابراهیمیان و محمدامین بیگ به فارسی برگردانده‌اند و به‌تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است. آنومالی در فارسی معمولاً به «ناهنجاری» ترجمه شده است. آنومالی با همه آثار اروه لو تلیه متفاوت است: چه از لحاظ حجم، چه تعدد شخصیت‌ها و چه جاهلیتِ روایی نویسنده. موفقیت آنومالی حتی برای خود او تلیه هم غافلگیرکننده بوده، چرا که برنده «جایزه گنگور» شد و فروش آن هم چند برابر اوره لو تلیه معتقد است که علاوه بر داستان شگفت‌انگیز رمان، آنچه در استقبال از آن نقش اساسی داشته عنوان کتاب است: «این هم از طنز روزگار! آنومالی که در آغاز عنوان ناچوری به‌نظر می‌رسید، آن هم باسال دیوانه‌واری که از سر گذرانده بودیم، ابعاد دیگری به‌خود گرفت.» آنومالی تردی‌ها و هراس‌های وجودی و تاریخی انسان و ذهن او را در مواجهه با وقایع و پدیده‌های غریب و ناشناختی کاود او را با روایتی نفس‌گیر مواجه می‌کند و در این روایت باورها وانگشت‌های غامذی او را در برابر پرسش‌های بی‌دریی قرار می‌دهد. این رمان برجسته در سال ۲۰۲۰ برنده یکی از بهترین جایزه‌های فرانسه شد. از این رمان به‌عنوان مهم‌ترین اثر رمان‌های نسله «ولیبو» نام می‌برند.

نویسنده کتاب در زبان فارسی به‌اندازه زبان‌های فرانسه و انگلیسی شناخته‌نیست. نشر نو اخیر این کتاب ۳۷۴ صفحه‌ای را به بهای ۱۲۰ هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ جهان

قسطنطنیه



کتاب «قسطنطنیه» نوشته «کلیپ منسل» را شهلا طهماسبی به فارسی برگردانده و به‌تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است. «قسطنطنیه» داستان یک شهر و یک دودمان است و با این اعتقاد نوشته شده که سلسله‌ها در شکل دادن به شهرها به‌اندازه جغرافیا، آب‌وهوا و

وضعیت اجتماعی نقش داشته‌اند. «قسطنطنیه» داستان مکانی است که زمانی طولانی بزرگ‌ترین شهر سلسله‌ای عالم بود؛ زیرا آنچه موجب ایجاد تنها پایتختی در جهان شده بود که در همه سطوح سیاسی، نظامی، در یابی، مذهبی (مسلمان و مسیحی هر دو)، اقتصادی و فرهنگی نقش داشت تأثیر متقابل سلسله عثمانی و قسطنطنیه بود.

در این شهر چشم‌اندازها، منظره مانند گفتار یا نوشتار، نوعی ارتباط مدام بود. سلطان اغلب مواقع از ایوان قصر توپکایی با تلسکوپ غلظه را تماشا می‌کرد و اهالی غلظه در هر فرصتی با تلسکوپ قصر را تماشا می‌کردند.

یک‌بار چیزی نمانده بود که انعکاس نور خورشید بر تلسکوپ سفیر فرانسه باعث تعریق روابط سیاسی دو کشور شود. در قرن نوزدهم، هم‌آزاده‌خانم‌ها مهارت خاصی در پنهان کردن دوربین چشمی لابه‌لای پوشش‌ها و پوشک‌ن پرده‌های تور و ابریشم پیدا کرده بودند و با آن همسایه‌ها و همجان‌ها را نگاه می‌کردند.

نشر نو این اثر خواندنی را در ۸۳۱صفحه با قطع رقی به بهای ۴۰۰هزار تومان منتشر کرده است.